



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# بخش نظری تاریخ

عبدالمجید معادینخواه

# تاریخ و فلسفه تاریخ در قرآن

از نخستین روزهای تأسیس بنیاد تاریخ و انتشار یاد، بررسی دیدگاههای قرآن کریم در زمینه تاریخ و مسائل تاریخی به عنوان محوری اساسی در بخش مسائل نظری تاریخ مطرح بود. بدین منظور پژوهشی آغاز شد که در شماره‌های نخستین یاد نیز انعکاس یافت (زیر عنوان قرآن و تاریخ) متأسفانه این پژوهش به نتیجه مطلوب نینجامید و آن بحث نیمه تمام ماند. اینک مجموعه آیات قرآن در زمینه تاریخ و مسائل تاریخی استخراج و طبقه‌بندی شده است که فشرده آن از این شماره به بعد با عنوان کلی «تاریخ و فلسفه تاریخ در قرآن» از نظر خوانندگان می‌گذرد.

## ۱- پیدایش و تحولات جهان

### ارزش و خطر تاریخ!

تاریخ و سرگذشت هر ملت، آینه‌سان هویت فرهنگی و سیاسی وی را به نمایش می‌گذارد؛ و سرنوشت و سرگذشت جامعه‌ها را پیوندی است تنگاتنگ. چنین است که هرگاه جامعه‌ای در شناخت سرگذشت خویش به ناآگاهی یا کج‌اندیشی دچار شود، نمی‌تواند از پی آمدهای ناگوار آن بر سرنوشت خود مصون باشد. راز توطئه‌های اهریمنی قدرتهای استعماری را - اگر بپذیریم که جعل و تحریف تاریخ ملت‌های زیر سلطه را هدف گرفته‌اند - در همین نکته باید جستجو کرد.

### بیرامون جریانهای کنونی تاریخنگاری

تردید نیست که قدرتهای جهانی در جهت کاوش تاریخ هر ملت و هر سرزمین سرمایه‌گذاری بسیار کرده‌اند؛ اما داوری واقع‌گرایانه در خصوص انگیزه‌های این کاوش کارچندان ساده‌ای نیست، هرچند که ساده‌اندیشان - چه غرب‌زدگان و چه غرب‌ستیزان - ساده از آن بگذرند. روشن است که سایه تاریخنگاری غربی بر

بسیاری از کشورهای جهان سوم سنگینی می‌کند؛ اما چگونگی و چند و چون آن و پرسشهای پیرامون آن چنان است که در تحلیل علمی آن و یافتن پاسخهای فراخور در این زمینه، نیاز به پژوهش گسترده است؛ بدان‌سان که جبهه‌ای از جهاد فرهنگی را فرا رویمان می‌گشاید. در این جهاد فرهنگی آن گروه از اندیشمندان و قلمداران را توانایی میداننداری است که گذشته از پایبندی به هر آنچه شأن تحقیق ایجاب می‌کند، به ویژه به تعصب ناشی از غرب‌زدگی یا غرب‌ستیزی دچار نباشند؛ چرا که این دو نیم دایره در مجموع آزاداندیشی را تنگنایی است که به بن‌بست می‌انجامد.

### نگاه و برخوردی دیگر

با این همه روشن است که به هر حال نیاز هیچ جامعه‌ای را در این زمینه، تلاش بیگانگان پاسخگو نیست؛ هرچند تلاشی وارسته از هرگونه بداندیشی و انگیزه نادرست. چون چنین است، آیا بهتر نیست که حساسیت خویش را به سوی چرایی کوتاهی خود سمت دهیم و به جای ناسزا به دیگران که به هر دلیل و با هر انگیزه تاریخ ما را - به میل و با معیارهای خود - کاویده‌اند، از خود و خودی انتقاد کنیم که چرا میدان را به دیگران سپرده‌اند؟ نه آیا که در تن دادن به پیروی بیگانه و بسنده کردن به پیروی کورکورانه، هرگز نمی‌توان کوتاهی خود را از یاد برد و گناه را تنها بار دیگران کرد و به ناسزا و دشنام به آنان دل خوش داشت؟ اگر قدرتهای بیگانه سلطه فرهنگی خود را در این زمینه بر تاریخنگاران ما تحمیل کرده‌اند و از این رهگذر اندیشه و قلم را مورد ستم قرار داده‌اند، روشنفکر ما نیز نه تنها پذیرای این ستم شده است که پسروی بیگانه را نشان پیشرفت نیز قلمداد کرده است. بگذریم که کدامین شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، روشنفکر ما را به این ورطه رانده و در مثل تحجر قشریون در زمینه‌سازی آن تا چه میزان نقش داشته است؛ که این خود موضوع پژوهشی دیگر است که اگر به درستی انجام شود، بی‌هیچ شک، در زدودن تنشها، برطرف شدن سوء تفاهمها و نزدیکی حوزه و دانشگاه، نقش موثری خواهد داشت.

### پرتو وحی بر تاریخ

گویی در سرنوشت نگارنده چنین رقم خورده بود که در پاره‌ای از روزهای عمر آیات قرآن کریم را - با حساسیت تاریخی - از نگاه بگذرانند و به برداشتهایی دست یابد که فهرستهای آن در پنج بخش به شرح زیر دسته‌بندی شده است:

۱- جهان و انسان

- ۲- بعثت پیامبران
- ۳- بعثت پیامبر خاتم
- ۴- فلسفه تاریخ
- ۵- گوناگون

هر بخش، مجموعه‌ای است از مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌ها که هر يك با عنوانها و زیرعنوانهایی فراخور تمایز یافته است؛ و بسا نسل نواندیش جامعه را که گرایشی به نگاهی دوباره به تاریخ دارد، چونان توشه راه به کار آید؛ و همگان را - به ویژه حوزه و دانشگاه را - هشداری باشد که میان فرهنگ جامعه‌های اسلامی و فرهنگ قرآن چه جدایی هراس‌انگیزی است در ارج نهادن به تاریخ! همان جدایی که کيفرهایی را پی آمد داشته است؛ وابستگی فرهنگی در تاریخ‌شناسی، پس‌روی بیگانگان و ننگ گرفتن شناسنامه خویش از دیگران!

### مقایسه‌ای گذرا

به گاه و گهگاههای مرور بر آیات قرآن با حساسیت تاریخ‌شناسی آبگینه اندیشه را نکته‌هایی روشنگر بود که رفته رفته چونان برداشتی از ویژگیهای تاریخنگاری قرآنی در اندیشه جای می‌گرفت. پیش از این، برداشتهایی از تاریخنگاری غربی نیز بر پرده پندار نقش بسته بود. اینک فرصتی است که این هر دو گروه ویژگیها را جمع‌بندی کنم که بسا در ترسیم دو خط تاریخنگاری فرضیه پژوهش را چونان درآمدی به کار آید.

### ویژگیهایی از تاریخنگاری غربی

تاریخنگاری غربی را - که بسا در ارتباط با کشورهای زیر سلطه بتوان از آن به تاریخنگاری استعماری تعبیر کرد - در پندار نگارنده چنین ویژگیهایی است:

- ۱- ابعاد مادی تمدن در آن محور اصلی است و سهامداران تاریخ بر این اساس تعیین می‌شوند و بعثت پیامبران نیز بیشتر با چنین نگاهی ارزیابی می‌شود.
- ۲- به علیت - با تکیه بر مرزهای خاکی - اصالت داده می‌شود؛ و به دیگر مرزها - حتی مرزهای فرهنگی - چونان تابعی از این متغیر نگاه می‌شود.
- ۳- کلیت ادیان نفی می‌شود و نتیجه آن هضم شدن مذهب - به صورت پاره پاره - در تاریخ تمدن است.

۴- پیامبران که نخستین نقش را در طرح شعارها و آرمانهای انسانی در تاریخ بشر داشته‌اند و به روزگاری که قهرمانان تاریخ‌ساز جنگجویان و کشورگشایانی

بوده‌اند که جز به زر و زور نمی‌اندیشیده‌اند، عدل و عدالتخواهی را در جای جای جهان فریاد کرده‌اند، در این تاریخ با چهرهٔ دعوتگر چندان جای و جایگاهی ندارند؛ و چنان که پیش از این نیز اشاره شد، تنها نقش مذهب در تمدن مادی مطرح است. چنین است که در مثل در تاریخ اسلام جایگاه اصلی از آن امویان و عباسیان است که در نگاه ژرف‌اندیشان با بعثت و پیام آن، بیگانه‌اند. چنین است که مخالفت اسلام بعثت و اسلام خلافت و سلطنت بیشترین کج‌اندیشیها را بر شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان غربی و پیروان ساده‌اندیش آنان تحمیل کرده است که شرح آن را پژوهشی فراخور باید.

۵- فراز و فرودها، شکوفایی و انحطاط و پیدایش و مرگ جامعه‌ها با بینشی مادی تبیین و تفسیر می‌شود و پوستهٔ رویدادها، ژرفای آن را سرپوش می‌نهد. معنویت و اخلاق نیز با همین بینش مادی و سطحی تفسیر می‌شود.

۶- در يك جمع‌بندی، انسان و آرمانهای انسانی در برابر محیط و ابزار زیستی رنگ می‌بازد و بدین‌سان انسان به از خود بیگانگی دچار می‌شود.

اشاره به این نکته را نابجا نمی‌دانم که هرچند اطلاع نگارنده از تاریخنگاری مارکسیستی ناچیز است و در جمع‌بندی ویژگیهای آن به دانشی بیشتر نیاز است، اما آنچه تا حدودی روشن می‌نماید، اشتراك آن با بسیاری از ویژگیهای تاریخنگاری غربی است؛ به دلیل مادگرایی حاکم بر این هر دو جریان؛ هرچند که در برابر یکدیگر با افراط و تفریط و غلو در ارزش کار و سرمایه چونان دو مکتب آشتی‌ناپذیر قرار دارند. نقطهٔ قوت تاریخنگاری مارکسیستی، توجه ویژه به اهمیت تولید و ابزار تولید است که بسا به دلیل مبالغه و غلو تبدیل به نقطهٔ آسیب‌پذیر آن نیز شده است. گفتنی است که در این جریان - به دلیل طرح شعارهای عدالتخواهی تبعیض‌ستیزی - در نگاه نخستین همانندی بیشتری از آن با تاریخنگاری قرآنی در نگاه می‌نشیند. به هر حال در ارزیابی مکاتب تاریخنگاری غربی و مارکسیستی به پژوهشی گسترده نیازمندیم و نمی‌توان به نگاه گذرا به چند کتاب و اطلاعاتی پراکنده از اینجا و آنجا بسنده کرد؛ هرچند بتوان با تکیه بر آن زاویه‌هایی از پژوهش را مورد اشاره قرار داد؛ و نگارنده را جز از این انگیزه‌ای نبوده‌است؛ با پوزش و عذر تقصیر.

## ویژگیهایی از تاریخنگاری قرآنی

در تاریخنگاری قرآنی، این ویژگیها به چشم می‌خورد:

۱- محور حرکت تاریخ پیکار حق و باطل، نور و ظلمت است؛ در شکل: دانش

و جهل، عدالت و ظلم و... با تأکید بر اصالت جریان حق و بهره‌مندی آن از توفیق و امداد الهی و نیروهای اثرگذار بر هستی و نیز با تأکید بر عدم اصالت زور و زر و جاذبه‌های فریبای آن.

۲- فراز و فرود جامعه‌ها و شکوفایی و انحطاط تمدنها را تفسیری معنوی است و سرور طبیعت را نیز فلسفه‌ای است الهی و توحیدی.

۳- حرکت تاریخ، حرکتی است جهت دار و تکامل‌جو و رو به سوی آینده‌ای روشن؛ و آزادی قانونمند انسان در حرکت فردی و اجتماعی آن را خدشه‌دار نمی‌کند.

۴- تاریخ پیامبران را چونان ستون فقرات تاریخ انسان، اهمیت و ارزشی ویژه است.

۵- فرد و جامعه، هر یک نقش ویژه خود را دارد و تأکید بر نقش برگزیدگان، به معنی نادیده گرفتن زمینه‌های اجتماعی حرکت آنان نیست.

بی‌گمان به جمع‌بندی این ویژگیها در این حد نمی‌توان بسنده کرد که هدف تنها دست یافتن به درآمدی است بر فرضیه پژوهشی در این زمینه.

### آرزو و امید

امید که این تلاش چونان گامی کوچک در راه آرمانی بزرگ پذیرفته شود و در زمینه‌سازی بسیج استعداد نسل نواندیش جامعه، بی‌تأثیر نباشد؛ بسیجی در راستای تحول در تاریخنگاری و نگاهی نو به تاریخ با بینشی دیگر، و هم در جهت پرداخت دیون معوقه نسلهای ستم‌زده امت اسلامی به تاریخ. با آگاهی از این واقعیت که هرگونه تلاش فردی در انجام این رسالت فرهنگی، تلاشی است ناکام که نباید بر این واقعیت چشم پوشید که عصر، عصری دیگر است و عصر تحقیقات فردی سپری شده است؛ و تحقیقات گروهی فراخور زمان، بی‌بهره از پشتیبانی نظام اطلاع‌رسانی، ناممکن؛ که نشانه‌هایی از توجه به ضرورت آن به چشم می‌خورد؛ هرچند که در عمل، حرکتها چنان پراکنده و گاهی انحرافی است که نگران‌کننده است. امید که این حرکتهای پراکنده به سوی حرکتی منسجم و علمی جهت یابند و رستاخیزی علمی و فرهنگی را زمینه‌ساز شوند و ضمن آن تاریخ و تاریخنگاری نیز متحول گردد.

اینک یاد آشنایان را این فرصت فراهم است که فهرستهای آیات کریمه قرآن را - مربوط به بخش نخستین از بخشهای کلی تاریخ با عنوان تاریخ جهان و انسان - از نگاه بگذرانند با این توضیح که این بخش خود در دو شاخه تمایز می‌یابد:

۱- پیدایش و تحولات جهان

۲- پیدایش و تحولات انسان

مجموعه آياتی را که به بحث پیدایش و تحولات انسان راجع است می توان در چهار محور جداگانه قرار داد:

۱- پیدایش جهان و دورانمندی آن

۲- هدفداری جهان و انسجام اجزای آن

۳- قانونمندی پیدایش و تحولات جهان

۴- مرگ و تولد دوباره جهان.

چنان که مجموعه آيات راجع به پیدایش و تحولات انسان را در شش محور

می توان گروه بندی کرد:

۱- طرح آفرینش انسان در سطوح برین هستی و واکنش فرشتگان

۲- دستور سجده به فرشتگان و موضع گیری ابلیس

۳- هبوط آدم، زمینه و فلسفه آن

۴- اخطار به آدمیان در خصوص دشمنی ابلیس و ابلیسیان با انسان

۵- توصیه به آدمیان در مورد تمسک به پیامبران در جهت جبران زیان هبوط

۶- آغاز خونریزی و برادرکشی و زمینه های آن.

با این توضیح در این شماره چهار فهرست از آیات قرآن را ملاحظه می کنید که مربوط به تاریخ جهان است. در پی هر فهرست، اشاره ای گذرا خواهیم داشت به نکات اصلی آیات و زوایای پژوهش در هر زمینه. مجموعه فهرستها نیز هر يك به شماره ای مسلسل اختصاص یافته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

فهرست شماره ۱

شماره مسلسل ۱ موضوع: پیدایش جهان، طبقه بندی و دورانمندی آن

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	مجموع آیات	جمع مقام آیات در این زمینه
۲	بقره	۲۹	۱	
۷	اعراف	۵۴	۱	
۱۱	هود	۷	۱	(۹)

۴	۱۲-۹	فصلت	۴۱
۱	۳۸	ق	۵۰
۱	۴	حدید	۵۷

### نکته‌های اصلی:

- نکته‌های اصلی ۹ آیه‌ای را که در فهرست بالا آمده می‌توان چنین برشمرد:
- ۱- محور بودن انسان در پیدایش آسمان و زمین
  - ۲- تقدم پیدایش زمین بر آسمان
  - ۳- طبقه‌بندی آسمانها به هفت طبقه
  - ۴- تفوق عرش بر آسمانهای هفتگانه
  - ۵- انجام آفرینش زمین و آسمانها در ۶ دوره
  - ۶- تکیه بر آب به عنوان زیربنای عرش
  - ۷- اختصاص ۲ دوره از ۶ دوره به پیدایش زمین و ۴ دوره به تکامل آن و پیدایش محیط زیست
  - ۸- اختصاص ۲ دوره به طبقه‌بندی آسمانها
  - ۹- اشاره به پیدایش آسمان از «دخان».

### زاویه‌های پژوهش

می‌توان گفت که تا کنون از مقصود اصلی در آیات مربوط به پیدایش جهان، کسی پرده برداشته است. نمی‌دانیم، بسا هرگز این راز از پرده برون نیفتد. مقصود از آسمانهای هفتگانه چیست؟

عرش که به تفوق آن بر آسمانها اشاره شده چیست؟

آب، که عرش خدا بر آن قرار دارد، دارای چه مفهومی است؟

«دخان» که از آن آسمان پدید آمده چیست؟

پرداختن به آفرینش آسمان و طبقه‌بندی آن پس از زمین یعنی چه؟

نه آیا که این ساده‌اندیشی است که با تکیه بر ظاهر این آیات چنین پنداریم که

عمر این خاکدان مسکونی ما بیش از عمر تمامی این جهان پهناور هستی است؟

آیا نمی‌توان به مفهومی دیگر از زمین و آسمان جز از آنچه برداشت ظاهری است

اندیشید، در مثل آیا نمی‌توان چنین احتمالی را به حسب آورد که جهان ماده با همه

عرض و طول آن - که خاکدان کوچک ما ذره‌ای ناچیز از آن است - یکسره در مفهوم



زمین می‌گنجد و آسمان و طبقات آن فراسوی جهان ماده است، چنان که عرش فراسوی آسمانهاست و در اینجا برتری حسی به هیچ روی نمی‌تواند مطرح باشد؟ چنین به نظر می‌رسد که شادروان علامه طباطبایی در آغاز نگارش یادگار ماندگارش «تفسیر المیزان» بر این تصمیم بوده است که به حل این معما همت گمارد و از این رو بررسی این مسئله را در آیه ۲۹ سوره بقره به حم فصلت حواله کرده است، با این امید که تا رسیدن به آن بخش از تفسیر به چنین توفیقی دست یافته باشد، ولی ظاهراً هرچه پیشتر گام نهاده ژرفای بحث بیشتر و بیشتر رخ نموده و بسا آن ژرف‌اندیش بزرگ در پایان دیدگاهی دیگر پیدا کرده است. به هر حال در سوره حم فصلت نیز - بر خلاف وعده قبل - به تفصیل به این بحث نپرداخته است و به ذکر احتمالاتی بسنده کرده است و جایی که عقاب پر بریزد...

با این همه نمی‌توان نوید بود که روزی در روند جهشهای فکری و علمی انسان این گرهها نیز گشوده شود.

## فهرست شماره ۲

شماره مسلسل ۲ موضوع: هدفداری جهان و انسجام اجزای آن

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۲	بقره	۲۲-۲۹	۸	۱۰۱
۶	انعام	۹۵-۹۹	۵	
۱۶	نحل	۳	۳	
۱۶	نحل	۱۰-۱۶	۱۷	
۱۶	نحل	۶۵-۷۲	۸	
۱۶	نحل	۷۸-۸۳	۶	
۱۷	بنی اسرائیل	۱۲	۱	
۱۷	بنی اسرائیل	۷۰	۱	
۲۱	انبیاء	۳۰-۳۳	۴	
۲۳	مومنون	۲۱-۲۲	۳	
۲۴	نور	۴۱-۴۵	۵	

۳	۹-۷	شعرا	۲۶
۳	۸۸-۸۶	نمل	۲۷
۴	۷۳-۷۰	قصص	۳۰
۸	۲۷-۲۰	لقمان	۳۱
۱	۱۰	زمر	۳۹
۲	۶-۵	زمر	۳۹
۱	۲۱	زخرف	۴۳
۵	۱۴-۱۰	زخرف	۴۳
۲	۸۵-۸۴		
۱۰	۱۲-۳	جائیه	۴۵
۳	۴۹-۴۷	زاریات	۵۲

در بررسی مجموعه این آیات - که فراگیرنده نکته‌های فراوان است - جهان به صورت مجموعه‌ای پیوسته منسجم و هم‌آهنگ در نگاه می‌نشیند که در این نگاه نمی‌توان هر جزء را به صورت مجرد به بررسی و تجزیه و تحلیل نشست و این تاکیدی بر این واقعیت نیز هست که پیدایش، شکل‌گیری و تکامل این مجموعه، می‌بایستی معطوف نظر ژرف‌اندیشان باشد. در مثل همان دست که زمین را جایگاه سکونت انسان رقم زده است، ابر پر باران را مأمور سیراب‌سازی زمینیان ساخته است، آری همان دست، جهان طبیعت را با عوالم بالاتر در پیوندی تنگاتنگ قرار داده و در این پیوند بشر را از هدایت غریزه، اندیشه و وحی بهره‌مند ساخته و فرود آمدن کتاب و بعثت پیامبران را رقم زده و بهشت و دوزخ را سرنوشت هدایت‌پذیران و کافران مقرر داشته است...

بسا در نگاه کسانی، آیات مورد اشاره در فهرست شماره ۲ چندان رابطه‌ای با بحث پیدایش جهان و انسان نداشته باشد، ولی در نگاه نگارنده با در نظر گرفتن توضیح بالا، ارتباط روشن است.

### فهرست شماره ۳

شماره مسلسل ۳ موضوع: قانونمدی پیدایش و تحولات جهان

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۱۳	رعد	۴-۲	۳	
۲۱	انبیاء	۳۰	۱	
۴۶	احقاف	۳	۱	
۵۱	زاریات	۴۹-۴۷	۳	۱۵
۵۷	حدید	۶-۵	۲	
۶۵	طلاق	۱۲	۱	
۶۷	ملك	۶-۳	۴	

کاروان عظیم هستی در حرکت هدفدار خود تابع قانونمدی خدشه‌ناپذیری، با پرونده‌ای دقیق، عمری سنجیده گاه شماری دقیق و آسیب‌ناپذیر، نظمی خیره‌کننده... است و چنین است گردش روزگاران، گذشت روزان و شبان و نور دیده شدن طومار عمر جهان و انسان به رغم پندار نادرست پوجی گرایان.

#### فهرست شماره ۴

شماره مسلسل ۴ موضوع: مرگ و تولد دوباره جهان

شماره سوره	نام سوره	شماره آیات	جمع آیات	جمع تمامی آیات در این زمینه
۲۰	طه	۱۱۴-۱۰۵	۱۵	
۲۱	انبیاء	۱۰۶-۱۰۴	۳	
۲۷	نمل	۹۰-۸۷	۴	
۳۶	یس	۲۹	۱	
۳۶	یس	۵۳	۱	
۲۹	زمر	۷۰-۶۸	۳	
۴۴	دخان	۱۶-۱۰	۷	۱۴۴
۵۰	ق	۴۳-۴۱	۳	
۵۳	طور	۱۰-۹	۲	

۶	۶-۱	واقعه	۵۶
۱	۳	حاقه	۶۹
۶	۱۸-۱۳	حاقه	۶۹
۸	۱۵-۸	مرسلات	۷۷
۵	۵-۱	نباء	۷۸
۴	۲۰-۱۷	نباء	۷۸
۴	۴۰-۳۷	نباء	۷۸
۸	۱۴-۶	نازعات	۷۹
۳	۳۶-۳۴	نازعات	۷۹
۵	۳۷-۳۳	عبس	۸۰
۱۴	۱۴-۱	تکویر	۸۱
۱۳	۱۳-۱	انفطار	۸۲
۵	۱۹-۱۵	انفطار	۸۲
۶	۶-۱	انشقاق	۸۴
۲	۹-۸	طارق	۸۶
۲	۲۲-۲۱	فجر	۸۹
۸	۸-۱	زلزال	۹۹
۵	۵-۱	قارعة	۱۰۱

۱۴۴ آیه‌ای که در فهرست بالا آمده است آن گروه از آیات مربوط به رستاخیز جهان است که در آن به این رویداد عظیم چونان مرگ و تولد دوباره جهان اشاره شده است و هم به پیش درآمدهای آن چونان زلزله رستاخیز، «نفخة صور»... اشاره دارد. از آوردن دیگر آیات مربوط به معاد به دلیل پیش‌گیری از اطناب خودداری شد؛ هرچند که تمام آن آیات به دو دلیل به تاریخ و فلسفه تاریخ مربوط است:

- ۱- به دلیل ارتباط این آیات به مرگ و تولد دوباره و سرنوشت انسان و جهان.
- ۲- به دلیل اینکه این آیات در فریادگری تاریخساز پیامبران و پیامبر خاتم ابرار اصلی بوده‌اند و در بعث نقش اساسی داشته‌اند.